

چکیده:

هدف: هدف از این پژوهش بررسی تأثیر فعالیت‌های پرورشی (انگیزه) بر میزان مطالعه و کتابخوانی کودکان و نوجوانان در شهر تهران می‌باشد.

جامعه آماری: جامعه آماری این پژوهش شامل کلیه معلمان مدارس مناطق ۱۹ گانه شهر تهران در سال تحصیلی ۹۳-۱۳۹۲ است که در مدارس مشغول تدریس می‌باشند. برای گردآوری اطلاعات مورد نیاز، به صورت تصادفی ۱۴۸ نفر از معلمان ۲۵ مدرسه تهران انتخاب شدند.

روش پژوهش: پژوهش حاضر، بصورت مقطعی و توصیفی و تحلیلی انجام گرفته است. پس از تأیید روایی و پایایی پرسشنامه که شامل ۵ عامل فرهنگی، ادبی، علمی، اسلامی و هنری است. با توجه به هدف تحقیق، فرضیات به قرار زیر تعریف شدند. فعالیت‌های فرهنگی، هنری، ادبی، اسلامی، علمی بر میزان مطالعه و کتابخوانی کودکان و نوجوانان شهر تهران اثر معناداری دارد. برای بررسی فرضیات از آزمون t -student برای مقایسه میانگین یک جامعه و در کنار آن از آزمون فریدمن برای اولویت‌بندی عوامل استفاده کردیم. همچنین با استفاده از آمار توصیفی، جداول فراوانی و میانگین نمرات شاخص‌ها را برای ارائه تصویر توصیفی از اطلاعات استفاده کردیم.

یافته‌ها: با استفاده از یافته‌های بخش آمار توصیفی این پژوهش مشخص گردید که ۷۳/۷٪ درصد معلمان معتقدند انجام فعالیت‌های ادبی در مدارس برای ایجاد انگیزش مطالعه و کتابخوانی در بین کودکان و نوجوانان بیشترین تأثیر را دارد. بعد از آن فعالیت‌های اسلامی با (۶۴/۹٪) درصد در رتبه دوم، فعالیت‌های علمی با (۵۷/۸٪) درصد در رتبه سوم قرار دارند.

نتیجه‌گیری: در نتیجه بررسی فرضیات، مقدار معنی‌داری برای هر ۵ عامل فرهنگی، ادبی، علمی، اسلامی و هنری، مقدار معنی‌داری آزمون، $\text{sig} = 0 < 0/05$ بدست آمد که نشان‌دهنده رد فرض صفر برای آزمون‌ها می‌باشد. به این معنی که هر ۵ عامل فوق تأثیر معنی‌دار بر میزان مطالعه و کتابخوانی کودکان و نوجوانان شهر تهران دارند. در نهایت با استفاده از آزمون فریدمن^۱ فعالیت‌های ادبی و بعد از آن، فعالیت‌های اسلامی دارای بیشترین اثر بر میزان مطالعه و کتابخوانی کودکان و نوجوانان شهر تهران هستند. کمترین اثر مربوط به فعالیت‌های هنری است. نتایج با نتایج حاصل از بخش آمار توصیفی، تقریباً مطابقت دارد.

کلید واژه‌ها: انگیزه، آموزش و پرورش، فعالیت‌های پرورشی، کتابخوانی، مطالعه.